

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «دادرسی عادلانه»

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۹۰

تاریخ: ۱۳۹۳/۶/۹



شناسنامه

عنوان:

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «دادرسی عادلانه»

مؤلف:

سیده لطیفه حسینی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۹۰

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۶/۹

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۳.....	مقدمه
۴.....	چکیده
۵.....	درآمد
۵.....	۱. مفهوم شناسی دادرسی عادلانه
۶.....	۲. مفاهیم مشابه
۶.....	۱،۲. آیین دادرسی
۶.....	۲،۲. امنیت قضایی
۶.....	۳،۲. آئین قانونی لازم (Due Process of Law)
۷.....	۴،۲. برابری و تساوی در مقابل قانون
۷.....	۳. تاریخچه دادرسی عادلانه
۹.....	۴. اصول دادرسی عادلانه
۹.....	۱،۴. تضمینات عمومی
۹.....	۱،۱،۴. حق دادخواهی
۱۰.....	۲،۱،۴. استقلال و بی طرفی مرجع رسیدگی
۱۱.....	۳،۱،۴. برابری امکانات دفاع (تساوی سلاح‌ها)
۱۲.....	۴،۱،۴. اصل تقابل یا تناظر
۱۲.....	۵،۱،۴. حق رسیدگی حضوری و علنی
۱۳.....	۶،۱،۴. حق تجدیدنظر خواهی

- ۷،۱،۴. حق رسیدگی در مهلت معقول ۱۳
- ۲،۴. تضمینات ناظر بر دعاوی کیفری ۱۴
- ۱،۲،۴. اصل برائت ۱۴
- ۲،۲،۴. منع بازداشت خودسرانه ۱۴
- ۳،۲،۴. حق برخورداری متهم از امکانات لازم برای دفاع ۱۵
- ۴،۲،۴. حق جرح و تعدیل شهود ۱۶
- ۵،۲،۴. حق سکوت ۱۶
- ۶،۲،۴. حق جبران خسارات برای عدم اجرای عدالت ۱۶
- ۷،۲،۴. منع مجازات مضاعف ۱۷
۵. مبانی اسلامی و حقوقی دادرسی عادلانه ۱۷
- ۱،۵. مبانی اسلامی دادرسی عادلانه ۱۷
- ۱،۱،۵. عدالت ۱۷
- ۲،۱،۵. برابری ۱۸
- ۲،۵. مبانی حقوقی دادرسی عادلانه ۱۹
- ۱،۲،۵. کرامت انسانی ۱۹
- ۲،۲،۵. حقوق طبیعی ۲۰
- ۳،۲،۵. حاکمیت قانون ۲۰
- ۴،۲،۵. عدالت رویه‌ای یا طبیعی ۲۱
۶. دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران ۲۱
- ۱،۶. دادرسی عادلانه در قانون اساسی ۲۲
- ۲،۶. دادرسی عادلانه در سایر قوانین موضوعه ۲۳
- جمع‌بندی و تحلیل ۲۵
- منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر ۲۷
- منابع و مآخذ ۳۰

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنی نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی بر مدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام‌سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی مرکز تحقیقات شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام‌سازی اسلامی برداشته شود.

(دادرسی عادلانه، المحاکمه العادله، Fair Trial)

چکیده

دادرسی عادلانه یا منصفانه به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیتدار، مستقل، بی طرف و قابل پیش بینی در مکانیزم قضایی پیش بینی شده است. دولت ها به شیوه های مختلف از جمله قانون گذاری و پیش بینی مکانیزم اجرایی موثر، به تضمین حق دادرسی عادلانه برای افراد متعهد هستند. متعالی ترین و موکدترین تعبیرها در این زمینه در تعالیم و آموزه های دین مبین اسلام یافت می شود. اسلام همواره فریاد برپایی قسط و عدل، احقاق حقوق مظلوم، استقرار صلح و آرامش و داوری و قضاوت عادلانه را سر داده است. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز با تاسی از دین مبین اسلام در صدد شناسایی و تضمین انواع دادرسی عادلانه برآمده است.

کلید واژه گان:

دادرسی عادلانه، انواع دادرسی عادلانه، مبانی اسلامی، مبانی حقوقی، نظام حقوقی ایران

درآمد

دادرسی عادلانه به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیتدار، مستقل، بی طرف و قابل پیش بینی در مکانیزم قضایی پیش بینی شده است. این تضمینات در صورت تحقق، سبب محدودیت اقتدار دولت در قبال افراد و در نتیجه صیانت مناسب تر از حقوق افراد است. ادیان الهی به ویژه اسلام در طول تاریخ منادی اصول دادرسی عادلانه از جمله استقلال و بی طرفی قاضی، نظارت بر حسن انجام دادرسی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات (قبح عقاب بلا بیان)، اصل اباحه، اصل مساوات، اصل علنی بودن دادرسی، اصل براءت، اصل تفسیر به نفع صاحب حق و مواردی از این دست بوده اند. این در حالی است که اصطلاح دادرسی عادلانه به عنوان حق بشری از دو قرن پیش به نظام های موضوعه راه یافته است. اسناد جهانی و منطقه ای حقوق بشر نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و میثاق بین المللی مدنی و سیاسی (ماده ۱۴) حق دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته اند و دولت ها مکلف را به اجرا و تضمین این حق برای تمام افراد نموده اند.

در این مجال ضمن مفهوم شناسی دادرسی عادلانه، ارائه مفاهیم مشابه و بررسی سیر تحول تاریخی آن، مبانی اسلامی و حقوقی دادرسی عادلانه مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت وضعیت دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران مطرح نظر خواهد بود.

۱. مفهوم شناسی دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه وصف ترکیبی است که برای ارائه تعریف دقیق از آن، واکاوی هر جزء آن مفید به نظر می رسد. دادرسی به معنای « رسیدگی و تصمیم گیری قضایی درباره موضوعات میان طرفین دعوا، چه امور حکمی و چه موضوعی، در دادگاهی صلاحیتدار » یا « رسیدگی قضایی به امور موضوعی و حکمی میان طرفین، در دعوی کیفری یا مدنی، نزد دادگاهی صلاحیتدار » (فضائلی، ۱۳۸۹: ۴۷) به کار رفته است. مفهوم عادلانه نیز به عنوان جزء دوم وصف ترکیبی دادرسی عادلانه در لغت به معنای « رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف » یا به معنای « معقول و عادلانه یا متناسب با شرایط » است، لیکن در ادبیات قضایی و در لسان حقوقی به معنای دارا بودن وصف بی طرفی و درستی، عدم تعقیب و جانبداری و نفع شخصی، عادلانه، منصفانه و برابری میان طرفین دعوا به کار برده شده است. (فضائلی، همان: ۵۰)

به طور کلی دادرسی عادلانه شامل مجموعه معیارها و تضمیناتی است که جهت رعایت

حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیتدار، مستقل، بی طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است. (رستمی، ۱۳۸۹: ۸۹)

۲. مفاهیم مشابه

۱،۲. آیین دادرسی

آیین دادرسی فرآیند قانونی یا تشریفات رسیدگی به اختلاف یا دعوی را مشخص می‌سازد و دادرسی عادلانه اصول و مواردی را شامل می‌شود که به عنوان معیارهایی در این آیین یا خارج از آن باید تضمین شود تا دادرسی عادلانه باشد. به رغم تقسیم آیین دادرسی به مدنی و کیفری به نظر می‌رسد دادرسی عادلانه با آیین دادرسی کیفری قرابت بیشتری داشته باشد؛ آیین دادرسی کیفری دربردارنده فرآیند رسیدگی به دعاوی کیفری در مراجع صالح است و مقررات آن همچون چتری از آغاز طرح شکایت یا تعقیب متهم تا پایان دادرسی، صدور رای و اجرای رای سایه گسترانیده است. محتوای مقررات آیین دادرسی کیفری دربردارنده حقوقی است که می‌تواند ضامن عدالت باشد و در نهایت منادی حقی تحت عنوان حق بر دادرسی عادلانه گردد. (رستمی، همان: ۸۹)

۲،۲. امنیت قضایی

کلیه اقدامات حقوقی و قضایی از جمله احضار، دستگیری، بازداشت و محاکمه باید به موجب قانون باشد تا از این طریق امنیت قضایی تضمین گردد. امنیت قضایی اقتضای پیش‌بینی تضمیناتی برای اصحاب دعوا را دارد که این تضمینات همان اصول و معیارهای دادرسی عادلانه است. امنیت قضایی حقی است که برخورداری از آن مانع تعرض به اشخاص و آزادی‌های جسمانی اشخاص نظیر دستگیری یا بازداشت می‌شود. (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۱۷) به این ترتیب به نظر می‌رسد امنیت قضایی و دادرسی عادلانه دو مفهوم لازم و ملزوم باشند، از این نظر که حصول هریک مستلزم رعایت و تضمین دیگری است.

۳،۲. آئین قانونی لازم (Due Process of Law)

آئین قانونی لازم به معنای استانداردهای حقوقی ایجاد شده برای رفتار عادلانه با شهروندان است. رفتار عادلانه نتیجه تبعیه و پیش‌بینی قواعد و آئین‌های قانونی است. بنابراین قواعد و مقرراتی از پیش تعیین شده باید موجود باشند که بتوان در نتیجه آن رفتار عادلانه را انتظار داشت. در چارچوب این اصطلاح است که اقدام خودسرانه غیر معقول، منع می‌شود و آزادی و امنیت انسان‌ها محترم شمرده می‌شود. این مفهوم بر رعایت

تشریفات قانونی در سلب آزادی افراد تاکید دارد و بر کل فرآیند دادرسی از جمله حق بر انتخاب وکیل، مواجهه با شهود و حق دفاع سیطره دارد. (فضائلی، پیشین: ۳-۶۲)

۴.۲. برابری و تساوی در مقابل قانون

به موجب مفهوم حاکمیت قانون، برابری همگان و تساوی آن‌ها در برابر قانون مطرح می‌شود. حکومت قانون به منظور محدود ساختن قدرت دولت در برابر افراد، بر اهمیت قواعد صوری، شیوه‌ای مورد توافق در خصوص تفسیر و آئین‌های دادرسی منصفانه تاکید دارد. (فضائلی، پیشین: ۶۵) مطابق ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار باشند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به طور تساوی از حمایت قانون بهرمنند گردند.» ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مقرر می‌دارد که کلیه اشخاص در مقابل قانون مساوی‌اند و بدون هیچ‌گونه تبعیضی استحقاق حمایت بالسویه از قانون را دارند...

حمایت یکسان قانون و تسری یکسان قانون به کلیه اعضاء جامعه صرف‌نظر از موقعیت اجتماعی و سیاسی آن‌ها، مبنای اصلی تساوی در برابر قانون است. (هاشمی، ۱۳۸۴، ۲۲۴) همچنین به موجب بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این خصوص تصریح نموده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای تامین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون به کار برد». همچنین اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی بر تضمین حمایت قانونی افراد به عنوان یکی از مصادیق دادرسی عادلانه تاکید کرده است.

۳. تاریخچه دادرسی عادلانه

قانون حمورابی از جمله رگه‌های تاریخی دوران باستان در خصوص حمایت از افراد در برابر اذیت و آزار و مجازات خودسرانه تلقی می‌گردد. در دوران یونان و رم باستان نیز اعدام افراد بدون محکومیت و مجازات بدون محاکمه خلاف عدالت به شمار می‌رفت (فضائلی، پیشین: ۹۶) دادرسی و محاکمه مبتنی بر عدالت از اهداف ادیان مختلف نیز بوده است و ادیان مختلف از جمله یهود و مسیحیت بر قضاوت، دادرسی و محاکمه عادلانه و منصفانه تاکید کرده‌اند. (فضائلی، همان: ۹۸-۱۰۴) در این راستا متعالی‌ترین و موکدترین تعبیرها در تعالیم و آموزه‌های دین مبین اسلام یافت می‌شود. اسلام همواره فریاد برپایی

قسط و عدل، احقاق حقوق مظلوم، استقرار صلح و آرامش و داوری و قضاوت عادلانه را سر داده است. مهم‌ترین اصول دادرسی عادلانه از جمله استقلال و بی‌طرفی قاضی، نظارت بر حسن انجام دادرسی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات (قبح عقاب بلا بیان)، اصل اباحه، اصل مساوات، اصل علنی بودن دادرسی، اصل برائت، اصل تفسیر به نفع صاحب حق و ... از شریعت قابل استنباط است. (فضائلی، همان: ۶-۱۰۵)

در غرب در نظام‌های قضایی برخی کشورها از جمله آلمان تا قرن چهاردهم میلادی اعمال شیوه ورودالی رایج بوده است. ورودالی مجازات نبود بلکه آیین دادرسی بود که به اثبات جرم یا برائت منجر می‌شد. همچنین در فرانسه قبل از انقلاب کبیر ۱۷۸۹ شکنجه متهمان برای اخذ اقرار، عادی و قانونی بود و در آن دوران نظام تفتیش با خصوصیات غیر علنی بودن، غیر ترافعی بودن که امکان و فرصت دفاع برای متهم میسر نبود، حاکم بود. (رستمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۷)

در اواخر قرون وسطا و بعد از ظهور رنسانس، تاکید بر فرد قوت گرفت و شناسایی حقوق وی از جمله دادرسی عادلانه، وجهه بین‌المللی به خود گرفت. منشور کبیر ۱۲۱۵ انگلستان، اعلامیه حقوق ۱۶۸۸ انگلیس، اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹ از جمله اسناد ابتدایی در جامعه بین‌المللی در جهت شناسایی حق دادرسی عادلانه با تعبیر آزادی و امنیت قضایی و ممنوعیت بازداشت خودسرانه به شمار می‌روند. (رستمی، پیشین: ۹۰) به همین ترتیب در قرن بیستم که جامعه بین‌المللی شاهد تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی در حوزه حقوق بشر بود؛ لزوم رعایت و شناسایی حق دادرسی عادلانه رنگ دیگری به خود گرفت. اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد ۳، ۹، ۱۰ و ۱۱) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مواد ۱۴ و ۱۵) که هر دو به ابتکار سازمان ملل در سال ۱۹۶۶ تصویب شدند بر وجود اصول دادرسی عادلانه از جمله منع بازداشت خودسرانه، تفهیم اتهام، رسیدگی در مراجع بی‌طرف و مستقل تاکید کردند و دولت‌ها به رعایت این اصول متعهد گردیدند. همزمان حق دادرسی عادلانه در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر نیز بازتاب چشمگیری داشته است؛ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (مواد ۵ و ۶)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (مواد ۷ و ۸) و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (مواد ۶، ۷، ۲۶) از این اصول حمایت کرده‌اند. (مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ۱۳۸۶) برخی اسناد دیگر از جمله اصول بنیادین استقلال قضایی مصوب ۱۹۸۵، اصول بنیادین رفتار با زندانیان مصوب ۱۹۹۰، اصول بنیادین مربوط به کاربرد زور و اسلحه توسط مأمورین اجرای احکام مصوب

۱۹۹۰ نیز اصول دادرسی عادلانه را مورد تاکید قرار داده‌اند. (رستمی و دیگران، پیشین: ۱۲)

۴. اصول دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه شامل مصادیق متعددی است که هر فردی در فرآیند دادرسی اعم از کیفری و مدنی از آن برخوردار است. برخی از مصادیق دادرسی عادلانه از جمله حق دادخواهی، دسترسی به دادگاه‌های بی‌طرف و مستقل و ... عمومیت دارند و در انواع دعاوی مدنی و کیفری قابل اعمال می‌باشند و برخی دیگر از جمله اصل برائت، تفهیم اتهام و ... ناظر بر دعاوی کیفری می‌باشند. در این قسمت نیز به تضمینات عمومی و تضمینات ناظر بر دعاوی کیفری به عنوان اصول دادرسی عادلانه می‌پردازیم.

۱،۴. تضمینات عمومی

تضمینات عمومی شامل حق دادخواهی، استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی، برابری امکانات دفاع، برخورداری از تسهیلات و مهلت کافی دفاع، حق رسیدگی حضوری، حق تجدیدنظر خواهی، حق رسیدگی علنی، حق رسیدگی در مهلت معقول و اصل تقابل یا تناظر است.

۱،۱،۴. حق دادخواهی

وجود حق دادخواهی اقتضاء می‌کند که هر فردی بتواند در زمانی که حق قانونی وی تضییع گردید به مرجعی صالح دسترسی داشته باشد و تظلم خواهی نماید. مبنای وجود چنین حقی اصل تساوی همگان در برابر قانون است که امکان دسترسی مساوی به دادگاه قانونی و صالح را نیز فراهم می‌کند. (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۲۶) به این ترتیب هیچ‌گونه تبعیضی براساس رنگ، جنس، نژاد، مذهب در دسترسی به دادگاه و مرجع رسیدگی قابل قبول نیست. (ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر) همچنین به موجب بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حق دادخواهی به عنوان حق مسلم به رسمیت شناخته شده است و در مقابل دولت متعهد است کلیه امکانات و تسهیلات لازم و در اجرای حق مذکور را فراهم کند و امکان دادخواهی و تظلم‌خواهی برای همه وجود داشته باشد. (هاشمی، پیشین: ۲۲۴) لازمه اجرایی شدن این حق وجود دادگاه‌های صالح به منظور ایجاد امکان دسترسی و همچنین عدم وجود مانعی در مراجعه به دادگاه برای همگان است. همچنین در اسلام دادستانان از وظایف و اختیارات قاضی محسوب می‌گردد. قاضی باید حقوق کسی را که حق وی مورد تجاوز قرار گرفته، پس از آن‌که حق وی به وسیله ادله اثبات دعوی به اثبات برسد، بازپس گیرد. (منتظری، حسینی، ۱۳۷۹: ۳۱۵) همچنین در

عهدنامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر آمده است «به امر قضاوت بین مردم نظر کن، مانند کسی که به منزلت حکم و قضاوت نزد خدا عارف است. حکم و قضاوت، معیار و میزان عدالت خداوند است که در زمین به منظور احقاق حق منصفانه مظلوم از ظالم و گرفتن حق ضعیف از قوی و برپایی حدود خدا بر اساس سنت و روش الهی وضع شده است». (نهج البلاغه، نامه پنجاه دوم)^۱ همان طور که مشخص است در نامه حضرت علی علیه السلام تاکید ایشان به احقاق حق مظلوم بیانگر شناسایی حق دادخواهی در اسلام به شمار می‌رود. لازم به ذکر است که از نگاه اسلام استماع دعوی دارای شرایطی است. معلوم بودن دعوا، طرح توام با جزم و بدون تردید دعوا، بالغ و عاقل بودن مدعی، محجور نبودن مدعی و ذی‌نفع بودن مدعی از جمله شرایط لازم برای دادخواهی محسوب می‌گردد. (محمدی گیلانی، محمد، ۱۳۶۲: ۹۶)

۲،۱،۴. استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی

استقلال به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی و اجرایی است و شامل استقلال دادگاه به لحاظ ساختاری و اعمال صلاحیت و استقلال قاضی در مرحله انتصاب و در مقام انجام وظیفه است. بی‌طرفی نیز به معنای عدم پیش‌داوری یا جانبداری از یک طرف دعوا، حزب، گروه یا قوم خاص است و به عبارت دیگر قضاوت و هیات منصفه نفع یا بهره شخصی در پرونده خاص نداشته باشند و فارغ از پیش‌فرض به موضوع رسیدگی کنند. (رستمی، پیشین: ۹۲) دسترسی به دادگاه‌های مستقل و بی‌طرف در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۱ ماده ۱۴) به رسمیت شناخته شده است. یکی از نشانه‌های بی‌طرفی و استقلال دادگاه این است که به موجب قانون تشکیل گردد. (ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر)

قوه قضاییه به عنوان ضامن برقراری عدل و مرجع تظلم‌خواهی عنصر مهمی در حمایت و پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم یک جامعه تلقی می‌گردد. نحوه نصب دادرسان، غیرقابل عزل و انتقال بودن آن‌ها و اعتبار آراء قضایی صادره از سوی آن حکایت از استقلال قوه قضاییه دارد. (عباسی، پیشین: ۲۲۹) همچنین به موجب نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر، در بررسی استقلال قضاوت باید به نحوه انتصاب آن‌ها و وجود تضمیناتی در مقابل فشارهای

۱. «أنظر فی القضاء بین الناس نظرَ عارفٍ بمنزلة الحكم عند الله فإنَّ الحكم میزان قسط الله الذی وضع فی الارض لأنصاف المظلوم من الظالم و الأخذ للضعیف من القوی و إقامة حدود الله علی سبیلها و منهاجها التی لا یصلح العباد و البلاد الا علیها

خارجی توجه کرد. (آندرا ساکوچی، ۱۳۸۱: ۲۲) قرآن کریم نیز بر اجرای عدل و احسان^۱ و داوری توأم با عدالت^۲ تأکید دارد که تحقق این امر منوط به وجود مرجعی مستقل و بی طرف است. در این میان از نگاه اسلام در کنار علم قاضی، معرفت باطنی نیز برای دادرسی لازم است که این امر سبب صدور حکم واقعی و برقراری عدالت خواهد شد. به این ترتیب لازم است قاضی به استقلال درون نیز نایل گردد و این امر منوط به قداست روانی و طهارت روحی است. قاضی در صورتی که نتواند به استقلال درونی دست یابد نمی تواند در کار خود توفیقی تحصیل نماید. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳-۱۷۲) در اسلام صرف وجود دادگاه مستقل دلیل بر وجود استقلال قاضی نخواهد بود، بلکه چنین استقلال ظاهری و بیرونی منوط به استقلال درونی است و کسی می تواند در برابر تطمیع و تهدید دیگران، استقلال رای خود را حفظ نماید که به استقلال درون رسیده باشد و دارای نوعی ثبات شخصیت باشد. (همان: ۱۷۵). همچنین روایت متعددی نیز در باب لزوم رعایت بی طرفی در امر قضاوت وجود دارد. از آن موارد روایتی است که صدوق به سند خویش از امام رضا علیه السلام از پدران خویش، از علی علیه السلام روایت نمود که گفت: پیامبر خدا (ص) مرا به یمن اعزام نمود، فرمود: «آنگاه که محاکمه به نزد تو آوردند به نفع هیچیک از دو طرف حکم مکن مگر این که از دیگری مسئله را جويا شوی. آنگاه امیرالمومنین علیه السلام فرمود: پی از آن هیچگاه من در قضاوت تردید نکردم». (منتظری، حسینی، ۱۳۷۹: ۳۰۹)

۳،۱،۴. برابری امکانات دفاع (تساوی سلاحها)

تساوی سلاحها حکایت از برابری طرفین دعوا در برخورداری از امکانات مساوی جهت دفاع از خود دارد که به موجب آن طرفین باید از حداقلهای حقوقی برخوردار باشند از جمله این که به طور یکسان به اسناد و مدارک پرونده دسترسی داشته باشند و از فرصت اعتراض برابر به ادله طرف دیگر برخوردار باشند. این اصل به ویژه در جایی که یک طرف آن نماینده قدرت عمومی یعنی دادستان است، اهمیت دارد و سبب می شود عامل قدرت مانعی بر سر راه تحقق عدالت نگردد. (رستمی، پیشین: ۹۳) اصل تساوی سلاحها یا برابری امکانات دفاع ناشی از حق دفاع است و برای اولین بار توسط کمیسیون اروپایی در نظریه مورخ ۳ ژوئن ۱۹۵۹ و در رای مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۶۸ دادگاه اروپایی حقوق بشر در دعوای

۱. ان الله یامر بالعدل و الاحسان. ۹۰/ نحل

۲. و اذ حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل. ۵۸/ نسا

لومستر به کار برده شده است. (عباسی، پیشین: ۲۳۵) به این ترتیب لازم است طرفین دعاوی کیفری و حقوقی فرصت برابر برای ارائه دعوی خود و همچنین جرح و تعدیل شهود در تمام مراحل را داشته باشند. (Synmonides, 2000:85) در اسلام قاضی باید امکان دفاع برابر را در اختیار طرفین اختلاف قرار دهد. سکونی از امام صادق علیه السلام روایت نموده که فرمود: امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمود: «کسی که در مسند خطیر قضاوت نشست باید بین طرفین دعوی در اشاره و نگاه و جایگاه نشستن، تساوی را مراعات کند». (منتظری، پیشین: ۳۱۰)

۴.۱.۴. اصل تقابل یا تناظر

دو طرفه بودن دفاع و امکان اعتراض به دفاع هر یک از طرفین توسط دیگری از عناصر لازم یک دادرسی عادلانه است. (بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) این امر در دادرسی کیفری مستلزم اطلاع متهم از نوع و علل اتهام به طور قانونی و در اختیار داشتن فرصت کافی جهت تمهید دفاع است. (عباسی، پیشین: ۲۳۵) همچنین از پیامبر خدا (ص) نقل شده است که دو طرف نزاع باید در کنار هم رو به روی قاضی بنشینند. این موضوع بیانگر اهمیت وجود امکان دفاع برابر برای طرفین اختلاف از دیدگاه اسلام است. (منتظری، پیشین: ۳۱۳)

۴.۱.۵. حق رسیدگی حضوری و علنی

حق رسیدگی حضوری به موجب استماع دعوا و تقدیم دفاعیه محقق می‌گردد و این‌که رسیدگی حاکم به طور علنی صورت پذیرد. علنی بودن رسیدگی‌ها به معنای امکان حضور و اطلاع عامه مردم در فرآیند دادرسی است و این اصل ناظر بر کل فرآیند دادرسی اعم از مراحل رسیدگی و صدور احکام می‌باشد. البته این حق مطلق نیست، بلکه قابل تحدید است و به دلایل اخلاقی، نظم عمومی، امنیت ملی، اقتضائات و منافع و مصالح زندگی خصوصی افراد از جمله عوامل تحدید کننده حق علنی بودن رسیدگی‌ها است. (Synmonides, op.cit:85) تشخیص ضرورت غیرعلنی بودن جلسات رسیدگی به عهده دادگاه است. (Reid, 2004:9) در اسلام نیز ضرورت رسیدگی علنی مشهود است و سیره قضاوت امامان معصوم به طور خاص حضرت علی علیه السلام موید چنین امری است. قضاوت‌های ایشان در مسجد انجام می‌گرفت همچنین ایشان زمانی که شنیدند قاضی شریح در خانه قضاوت می‌نماید به وی دستور دادند که «ای شریح (برای قضاوت) در مسجد بنشین، این امر میان مردم عادلانه‌تر است. برای قاضی سبک است که در خانه‌اش قضاوت کند». (موسوی بجنوردی، محمد، ۱۳۹۱: ۹) این روایت حاکی از آن است که امامان معصوم نیز بر

ضرورت رسیدگی حضوری و علنی محامکات تاکید داشته‌اند و به برگزاری قضاوت‌های علنی سفارش می‌نمودند. (همان: ۹)

۶،۱،۴. حق تجدیدنظر خواهی

چنین حقی امکان حمایت از افراد در برابر اشتباهات قضایی را فراهم خواهد کرد. به موجب بند ۵ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در هر نوع دادرسی اعم از حقوقی، کیفری و اداری محکوم‌علیه حق دارد که محکومیت وی در دادگاه عالی مطابق قانون بازنگری شود.^۱ حق تجدیدنظر خواهی و امکان نقض حکم در اسلام نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که «هر گاه قاضی به خطا بودن حکم خود پی ببرد، قضاوت خود را مردود می‌کند یا قضاوتش مردود می‌شود» (موسوی بجنوردی، پیشین: ۱۳) به این ترتیب اگر محکوم علیه نزد قاضی علیه قاضی دیگر اقامه دعوا نماید و ادعا کند که حکم قاضی اول ناعادلانه بوده بر قاضی موخر واجب است که در حکم قاضی مورد شکایت تجدیدنظر نماید. (محمدی گیلانی، پیشین: ۸۰)

۷،۱،۴. حق رسیدگی در مهلت معقول

این حق مستلزم رعایت سرعت لازم و بدون تاخیر ناموجه در رسیدگی است. تشخیص نامعقول بودن مهلت رسیدگی به اوضاع و احوال هر پرونده بستگی دارد و معمولاً عناصر مورد توجه در نقض این حق و تشخیص عادلانه یا غیر عادلانه بودن مهلت رسیدگی به پرونده شامل مقررات قانون‌گذاری ملی، پیچیدگی‌های نظام‌های حقوقی، پیچیدگی‌های هر پرونده و فنی بودن برخی دعاوی، عدم سازماندهی صحیح و مناسب دادگستری، لزوم دخالت مراجع قضایی یا اداری متعدد در جریان رسیدگی و عدم وجود نیروی تخصصی مناسب، رفتار متهم و رفتار مقامات ذی‌صلاح می‌باشند. (Leach, 2005: 398-9) این حق در اسناد حقوق بشری از جمله جزء ج بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با عنوان محاکمه بدون تاخیر غیر موجه و همچنین بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی با مضمون رسیدگی در مهلت معقول و بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی با ذکر عنوان مدت معقول به رسمیت شناخته شده است. سرعت عمل در قضاوت و جلوگیری از فوت وقت از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های عدالت قضایی امام علی علیه السلام به

۱. این حق در سایر اسناد حقوق بشری نظیر ماده ۲ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، قسمت ۸ بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر و بند الف ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها به رسمیت شناخته شده است.

شمار می‌رود. این موضوع در قضاوت‌های ایشان نمایان است. ایشان فرموده‌اند «در اجرای حدود هیچ مهلتی روا نیست» و همواره به قضاات فرمان می‌داد که در دادخواهی تاخیر ننمایند. همچنین ایشان سهل‌انگاری و فوت وقت در دادرسی را موجب تضییع حقوق طرفین دعوی می‌دانستند. امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند از پیامبر (ص) شنیدم که فرمود: امروز و فردا کردن مسلمانان توانگر نسبت به پرداخت حقوق مردم، ظلم به مسلمانان است» (موسوی بجنوردی، پیشین: ۱۰)

۲،۴. تضمینات ناظر بر دعاوی کیفری

اصل براءت، تفهیم اتهام، اخذ وکیل، داشتن مترجم، قانونی بودن بازداشت و منع خودسرانه بازداشت، حق سکوت، حق جبران خسارات برای عدم اجرای عدالت و ممنوعیت مجازات مضاعف از جمله حق‌های موجود در فرآیند رسیدگی به دعاوی کیفری است که متهم از آن‌ها برخوردار است.

۱،۲،۴. اصل براءت

اصل بر بیگناهی هر فرد است مگر این‌که مجرمیت وی مطابق قانون در چارچوب یک دادرسی عادلانه در مرجع صالح اثبات گردد. این اصل قبل از دوران جدید تحت عنوان قاعده «درء حدود بالشبهات» در نظام حقوقی اسلام ریشه داشته است. (رستمی، پیشین: ۹۷) همچنین این اصل در بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است و به موجب آن هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود تا این‌که مقصر بودن او بر طبق قانون محرز گردد. اصل براءت یکی از اصول مسلم اسلامی است نتیجه این اصل لزوم ارائه دلیل از سوی مدعی است. این اصل در دادرسی‌ها و قضاوت‌های حضرت علی علیه السلام نیز مورد توجه قرار گرفته است. به این ترتیب تا بینة بر گناهکاری متهم رایة نگردد وی بی‌گناه فرض می‌شود. اهمیت چنین اصلی در این روایت روشن می‌گردد که روزی سه نفر نزد حضرت علی (ع) آمدند و علیه کسی شهادت به زنا دادند، حضرت به آن‌ها فرمود: گواه چهارم کجاست؟ گفتند هم اینک می‌رسد. امام فرمود ایشان را حد قذف بزنید. (موسوی بجنوردی، پیشین: ۱۴)

۲،۲،۴. منع بازداشت خودسرانه

حق آزادی و امنیت شخصی افراد اقتضاء می‌کند بازداشت و دستگیری افراد جز به حکم قانون ممنوع گردد. برای حفظ حقوق افراد بازداشت شده باید تضمینات حداقلی را برای آن‌ها در نظر گرفت و به موجب آن هر کس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات آن مطلع شود و به وی تفهیم اتهام گردد. (بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی

و سیاسی) و در اسرع وقت نزد مراجع قضایی قانونی حاضر گردد یا در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود. (بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) فرد بازداشت شده امکان تظلم‌خواهی دارد و دادگاه بدون تاخیر باید راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار نظر کند. (بند ۴ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) همچنین هر کس که به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت می‌شود حق جبران خسارت خواهد داشت. (بند ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) صدور قرار بازداشت موقت باید در اختیار مقام قضایی باشد در غیر این صورت بازداشت، خودسرانه است و عدم رعایت شرایط قانونی باید به بطلان قرار بازداشت و مجازات مقام صادر کننده منجر شود. زیرا بازداشت افراد نقض حق آزادی آنها است، بنابراین باید به موجب قانون و توسط مقام صلاحیتدار صورت گیرد. (صابر، ۱۳۸۸: ۱۴۹) رویکرد اسلام در خصوص منع بازداشت خودسرانه از عملکرد و قضاوت‌های حضرت علی علیه السلام قابل استنباط است حضرت علی (ع) تهمت و اتهام را مادای که اثبات نشده مبنای حبس و بازداشت نمی‌دانستند. ایشان در پاسخ به یکی از یارانش مبنی بر این‌که چرا توطئه گران را حبس نمی‌کند، فرمود:

«اگر به صرف اتهام کسی را زندان کنم، زندانها پر می‌شود. من کسی را بر تهمت نمی‌گیرم و بر ظن و گمان عقوبت نمی‌کنم و تا خلاف ظاهر نشود، مقاتله و مقابله نمی‌کنم.» (قوامی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۱)

۳، ۲، ۴. حق برخورداری متهم از امکانات لازم برای دفاع

«حق دفاع متهم عبارت است از مجموع تضمینات قانونی و قضایی است که در سطح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی برای افرادی که در مظان ارتکاب بزه قرار می‌گیرند. در سراسر یک رسیدگی کیفری با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه به دور از اشتباهات قضایی، منظور گردیده است» (آشوری، ۱۳۷۲: ۴۰) حق دفاع این امکان را برای متهم فراهم می‌کند که بتواند پیش از محکوم شدن از خود دفاع کند. برای دفاع لازم است متهم از حق انتخاب وکیل برخوردار باشد. حق ارتباط و انتخاب وکیل شامل حق آگاهی متهم از وجود چنین حقی و برخورداری از مساعدت وکیل تسخیری و معاضدت قضایی رایگان می‌باشد. (قسمت ب و د بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) به این ترتیب متهم می‌تواند برای ارائه دفاع شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود در محاکمه حاضر شود و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده می‌شود و در صورت عجز از پرداخت حق الوکاله از وکیل معاضدتی استفاده خواهد کرد. همچنین در صورتی که متهم به زبانی که در

دادگاه تکلم می‌شود، آشنا نیست می‌تواند از خدمات رایگان مترجم استفاده نماید و تمام اوراق و مدارک مضبوط در پرونده به طور کامل ترجمه شود. (رستمی، پیشین: ۹۹)

۴،۲،۴. حق جرح و تعدیل شهود

حق جرح و تعدیل شهود شامل حق احضار و سوال از شهود است. متهم می‌تواند شخصا یا توسط وکیل خود از شهود علیه خود سوال کند و همچنین درخواست حضور و سوال از شهود له خود را نیز بنماید. (قسمت ه بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) (صابر، پیشین: ۱۵۴) در اسلام زمانی که شهود از جمله دلایل اثبات دعوا باشد امکان سوال از شهود برای مدعی وجود دارد و اگر شهود واجد شرایط نباشند شهادتشان معتبر نمی‌باشد. همچنین مدعی علیه نیز در یک مهلت متعارف امکان جرح شهود را خواهد داشت. (محمدی گیلانی، پیشین: ۷-۱۲۶)

۴،۲،۵. حق سکوت

حق سکوت مستلزم عدم اجبار متهم به شهادت یا اقرار به گناه است زیرا متهم در اعلام حقایق به مقامات قضایی هیچ وظیفه‌ای ندارد، بلکه دادستان خود ملزم است برای اثبات اتهام وارده ادله کافی جمع‌آوری کند و نباید سکوت را قرینه‌ای علیه متهم و در اثبات مجرمیت او دانست. این حق با اصل منع شکنجه برای اخذ اقرار ارتباط می‌یابد. (صابر، همان: ۱۵۵) در دادرسی اسلامی سکوت مدعی علیه دارای فروضی است که هر یک دربردارنده حکمی جداگانه می‌باشد. دادرس باید در خصوص جهت سکوت مدعی علیه تحقیق نماید؛ زیرا ممکن است سکوت وی ناشی از گنگ بودن، از روی عناد، از روی ترس یا به دلیل مواجهه با خصم باشد و حتی ممکن است سکوت وی علتی جز توقف امور دادرسی نداشته باشد. در موارد فوق دادرس به هر طریق ممکن که می‌تواند باید وی را متوجه نماید تا پاسخ دهد. در صورتی که مدعی علیه در پاسخ از جملاتی نظیر «نمی‌دانم» یا «به استحقاق مدعی عالم نیستم» استفاده نماید دادرس باید وی را در شمار منکرین تلقی نماید و احکام منکر را بر وی مترتب نماید. (سنگلجی، محمد، ۱۳۶۹: ۲۰-۱۱۹)

۴،۲،۶. حق جبران خسارات برای عدم اجرای عدالت

به موجب بند ۶ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در صورتی که محکومیت خود در نتیجه اشتباه قضایی باشد و فرد به خاطر اشتباه قضایی محکوم و متحمل مجازات شده باشد مستحق است که خسارت او طبق قانون جبران گردد، مگر این که ثابت شود که عدم افشاء به موقع حقیقت مکتم کلاً یا جزئاً منتسب به خود او بوده است.

(مجموعه اسناد جهانی، ۱۳۸۱: ۹۹) به موجب قاعده لاضرر کسی نباید اعمال حق خود را وسیله اضرار به غیر قرار دهد در صورت ورود ضرر باید در صدد جبران آن برآید. ضرر به معنای از دست دادن چیزی است که انسان آن را دارا است اعم از این که مال، جوارح، عرض یا آبرو باشد. (بهرامی احمدی، حمید، ۱۳۸۸: ۲۵۶)

۴، ۲، ۷. منع مجازات مضاعف

عدالت و موازین اخلاقی و حقوقی اقتضاء می‌کند کسی که مرتکب تخلف یا جرمی شده باشد برای عمل ارتكابی یک بار مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد. خواه این مجازات خارج از قلمرو کشور متبوع مجرم یا متخلف و خواه داخل قلمرو آن اعمال شده باشد. این اصل با اصل اعتبار آراء قضایی و امر قضاوت شده نیز سازگاری دارد. (عباسی، پیشین: ۲۴۷) ممنوعیت مجازات مضاعف در اسناد حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است. با این مضمون که هیچ کس را نمی‌توان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادره طبق آیین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است، مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد. (بند ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) البته امکان محاکمات بعدی برای جرایم متمایز یا محاکمه در حوزه قضایی دیگر وجود دارد و این امر نقض اصل ممنوعیت مجازات مضاعف نیست. (طه و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۶۶)

۵. مبانی اسلامی و حقوقی دادرسی عادلانه

۵، ۱. مبانی اسلامی دادرسی عادلانه

عدالت و برابری از پایه‌های اصلی دین مبین اسلام و مبنای برخورداری افراد از حقوق مربوط به دادرسی عادلانه می‌باشند که در این قسمت به آن می‌پردازیم.

۵، ۱، ۱. عدالت

عدالت یکی از پایه‌های اصلی اسلام است. بنا بر دستورات اسلام با هیچ کس نباید برخلاف عدالت و شئون انسانیت رفتار کرد و نسبت به هیچ فردی نباید ظلم و تعدی نمود. همچنین قضاوت بین مردم باید براساس عدالت، حق، انصاف و وجدان باشد. این دستور شامل عدالت اجتماعی و حکومت و قضاوت و حکمیت و همچنین اصول مربوط به دادرسی است. تظلم‌خواهی در اسلام مورد تاکید قرار گرفته است و رعایت عدالت و بی‌طرفی در قضاوت میان مردم لازم است. (تابنده، ۱۳۸۰: ۱۷۷) مفهوم عدالت در انواع دادرسی‌ها عینیت می‌یابد؛ تا آن‌جا که مفهوم عدالت با اصول حاکم بر دادرسی عجین شده و

صفت آن گردیده است. در منابع دینی اسلام راجع به عدالت بسیار سخن رفته است. در آیات بسیاری واژه عدل به عنوان یکی از ارزش‌های اسلام، مورد تاکید قرار گرفته است، با این تعبیر که «همانا خداوند به عدالت و نیکی فرمان می‌دهد»^۱ یا «هرگاه بین مردم داوری کردید به عدالت داوری کنید»^۲ یا «عدالت پیشه کنید که عدالت به پرهیزکاری نزدیک‌تر است»^۳. در برخی دیگر از آیات، قسط به عنوان ارزش اسلامی و هدف بعثت انبیاء ذکر شده است.^۴ (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۱: ۲۶۳)

مفهوم عدالت در اسلام را می‌توان در روایات نیز مشاهده کرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید «اگر در میان مردم به عدالت رفتار شود، همه بی‌نیاز می‌گردند» (میرموسوی و حقیقت، پیشین: ۲۶۳) حضرت علی علیه السلام فرمودند «به عدل و انصاف رفتار کنید، به مردم درباره خودتان حق دهید، پر حوصله باشید و در برآوردن حاجات مردم تنگ حوصلگی نکنید که شما نمایندگان ملت و سفیران حکومتید» (مطهری، ۱۳۸۰: ۷۱۱)

عدالت یکی از مهم‌ترین مبانی حقوقی است (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۶) و مانند بسیاری از مفاهیم ارزشی دیگر برگرفته شده از جهان آفرینش است و بر نظام حقوقی و وضع قوانین در حوزه دادرسی سیطره دارد. عدالت با مصادیق خود عینیت می‌یابد. شناسایی اصول دادرسی از جمله اصل برائت، تظلم خواهی، دسترسی به داور بی‌طرف و رعایت مساوات میان طرفین اختلاف از جمله اصولی است که عدالت وجود آن‌ها را اقتضاء می‌کند. (جوادی آملی، پیشین: ۱۹۹) به این ترتیب کلیه روابط اجتماعی از جمله وضع قوانین باید بر عدالت مبتنی باشد. (دری نجف آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۷)

۲.۱.۵. برابری

اسلام منادی برابری انسان‌ها در ماهیت انسانی است. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «ای مردم! از پرودگارتان که شما را از یک تن آفرید و همسر او را از او آفرید، بترسید»^۵. همه انسان‌ها در ماهیت

۱. ان الله يامر بالعدل والاحسان (نحل / ۹۰)

۲. و اذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل (نساء / ۵۸)

۳. اعدلوا هو اقرب للتقوى (مائده / ۸)

۴. لقد ارسلنا رسلنا بالبينت و انزلنا معهم الكتب و الميزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه باس شديد و منافع للناس و ليعلم الله من ينصره و رسله بالغيب ان الله قوي عزيز (حدید / ۲۵)

۵. يا ايها الناس اتقوا ربكم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها (نساء / ۱)

انسانی اشتراک دارند و این برابری در انسانیت و لوازم آن می‌باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۸۲)

همچنین میان انسان‌ها نباید هیچ تبعیض ناروا و ظالمانه‌ای وجود داشته باشد. در طول تاریخ و در دوران شرک، اسلام رفتار ظالمانه و تبعیض آمیز میان زنان را به شدت نکوهش کرد. (مصباح یزدی، همان: ۱۸۳) به فراخور این رویکرد انسان‌ها در مقابل قوانین برابر بوده و در شرایط برابر، از حقوق و تکالیف مشترک برخوردارند. همین برابری اقتضاء می‌کند انسان‌ها صرفنظر از جنسیت، نژاد، قومیت و مذهب امکان دستیابی به لوازم دادرسی عادلانه را داشته باشند.^۱ «انسان‌ها مثل دانه‌های شانه با هم برابرند» نمونه بارز این برابری، برابری افراد در مقابل قانون است و امتیاز انسان‌ها در سایه تقوی نزد خدا معنا می‌یابد. (دری نجف‌آبادی، پیشین: ۱۱۸) به این ترتیب اسلام بر مساوی بودن همگان در حیثیت انسانی تاکید کرده است و نابرابری‌های طبیعی یا اکتسابی موجب محرومیت کسی از حقوق اولیه انسانی خویش نمی‌شود. (میرموسوی و حقیقت، پیشین: ۲۵۸)

۲.۵. مبانی حقوقی دادرسی عادلانه

کرامت انسانی، حقوق طبیعی، حاکمیت قانون و عدالت رویه‌ای (طبیعی) از مبانی حقوقی دادرسی عادلانه تلقی می‌گردد که در این قسمت می‌پردازیم.

۱.۲.۵. کرامت انسانی

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، کرامت و حیثیت ذاتی انسان‌ها مبنای برخورداری آن‌ها از حقوق یکسان و انتقال ناپذیر ذکر شده است؛ اعلامیه مذکور به عنوان نقطه عطف تدوین حقوق جهانی بشر، شناسایی کرامت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری را اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان می‌داند. برخورداری انسان از کرامت در اعلامیه جهانی حقوق بشر مبنای بهره‌مندی افراد از حق دادرسی عادلانه به عنوان حق بشری به شمار رفته است. به موجب حق برخورداری از کرامت است که در صورتی که انسان‌ها در مظان اتهام ارتکاب جرم قرار گیرند، باید در برابر خودسری‌ها و اقدامات سلیقه‌ای ماموران حکومتی از حمایت کامل برخوردار باشند و مادام که اتهام آنان از رهگذر یک دادرسی عادلانه و با رعایت تضمینات دادرسی به اثبات نرسیده است، بی‌گناه فرض شده و به هیچ روی، تعرض نسبت به آن‌ها روا داشته نشود.

۱. البته لازم به ذکر است که تفاوت‌های تکوینی زن و مرد منشا یک سلسله تفاوت‌ها و اختلافات حقوقی در حوزه فردی و اجتماعی می‌گردد. (مصباح یزدی، پیشین: ۲۰۳)

۲،۲،۵. حقوق طبیعی

حقوق بشر صورت متکامل مفاهیم ابتدایی ترِ قانون طبیعی و حقوق طبیعی است. (هیدن، ۱۳۹۲: ۳۰۵) نماینده اصلی تئوری حقوق طبیعی در دنیای مدرن، جان لاک بود که فلسفه خود را در چارچوب انسان‌گرایی قرن ۱۷ توسعه داد. حقوق طبیعی از آن جهت که از طبیعت انسان سرچشمه می‌گیرد و در قانون طبیعت یافت می‌شود مبنایی حقوقی برای برخورداری انسان‌ها از حقوق بشر از جمله دادرسی عادلانه تلقی گردیده است. (Symonides, op.cit:37) حقوق طبیعی بازتاب نظم طبیعی جهان هستی است و حقوق طبیعی نیز مبتنی بر این دیدگاه است که انسان جزئی از نظام هماهنگ هستی است. (هاشمی، پیشین: ۷۶) به عبارت دیگر طبیعت می‌تواند سرچشمه حقی باشد که الیهون آن را به خدا منتسب می‌کنند. بر اساس این دیدگاه انسان نیز جزئی از طبیعت و حامل قوانین طبیعی در خود است. (جاوید، ۱۳۸۷: ۶-۹۵) حق دفاع از جمله حقوق طبیعی افراد می‌باشد که قانونگذار مکلف به پذیرش و حمایت از آن است. (باهری، ۱۳۳۱: ۱۰۸)

۳،۲،۵. حاکمیت قانون

حاکمیت قانون تجلی اقدام بر مبنای قانون است بر همین اساس استفاده خودسرانه و مستبدانه از قدرت در تصمیم‌گیری حکومتی قابل توجیه نخواهد بود. عمومیت قوانین، اعلام عمومی قوانین، صراحت و روشن‌بینی قوانین، آینده‌نگری قوانین، قابلیت اجرا و پیروی از قوانین و استمرار و ثبات قوانین اصول محوری حاکمیت قانون است. (مصفا، ۱۳۸۱: ۳-۱۲) ارتباط حاکمیت قانون و دادرسی عادلانه آن‌جا مشخص می‌شود که قوه قضاییه مستقل، ابزارهای موثر حقوقی قابل دسترس، نظام حقوقی با تضمین برابری همگان در برابر قانون، نظام تنبیهی مناسب با رعایت شان انسانی، نیروی انتظامی در خدمت قانون و مردم که جملگی از مصادیق دادرسی عادلانه‌اند به عنوان مولفه‌های حاکمیت قانون ذکر شده‌اند. زمانی در جامعه می‌توان انتظار داشت دادرسی عادلانه رعایت گردد که قانون و نه سلیقه‌های شخصی صاحبان قدرت حاکم باشد. (مصفا، همان: ۱۳)

تفکیک قوا و استقلال قضایی از نتایج حکومت قانون است. دادرسی عادلانه در سایه وجود تفکیک قوا و استقلال قضایی تحقق می‌یابد. وجود قوه قضاییه مستقل یکی از مهم‌ترین عوامل تامین و تحقق دادرسی عادلانه است.^۱ منتسکیو در این خصوص بیان کرده

۱. اصل ۱۵۸ قانون اساسی تکلیف رئیس قوه قضاییه را ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب



است که « اگر قدرت قضا از قانون‌گذاری و اجرایی جدا نباشد، باز هم از آزادی نشانی نخواهد بود »، نتیجه عدم استقلال قوه قضاییه عدم برخورداری از دادرسی عادلانه برای شهروندان خواهد بود. به منظور تأمین حقوق افراد در حوزه دادرسی عادلانه باید نهادهای دادرسی مستقل در کشور ایجاد شود که هر کس که در مقام دعوا یا مرافعه قرار می‌گیرد به آن مراجعه کند و امکان دسترسی به آن داشته باشد. (سوادکوهی فر، ۱۳۸۸: ۹۵-۹۶) استقرار امنیت قضایی و برخورداری شهروندان از دادرسی عادلانه در گرو تنظیم اقتدار هیات حاکمه از طریق وضع قوانینی است که حدود اختیارات آنان را به نحو منطقی مشخص نماید این امر در پرتو حاکمیت قانون میسر می‌شود. (هاشمی، پیشین: ۲۹۱)

۴.۲.۵. عدالت رویه‌ای یا طبیعی

عدالت طبیعی یا رویه‌ای عبارت است از «احساس طبیعی انسان در مورد این‌که چه چیزی درست است و چه چیز نادرست» عدالت طبیعی به ویژه در قلمرو حقوق عمومی و به طور خاص در موضوعات مربوط به رسیدگی‌های قضایی متجلی است. عدالت طبیعی در این حوزه مترادف با معنای انصاف است و باید راهنمای عمل در حوزه رعایت و تضمین دادرسی عادلانه باشد. عدالت طبیعی از یک طرف مبانی حق دادرسی عادلانه و از طرف دیگر ناظر بر اجرای این حق است و بر دو اصل بی‌طرفی و حق متهم یا مدعی‌علیه بر ارائه دلایل و حق استماع عادلانه مبتنی است. بر اساس همین اصل است که اخطار و اطلاع قبلی از اتهام، تفهیم اتهام، فرصت لازم برای ارائه دلایل و مدارک و امکان داشتن نماینده و وکیل معنا می‌یابد همان‌طور که عدالت طبیعی اقتضاء می‌کند امکان ارائه دلیل حق افراد در دادگاه است لازم اعمال این حق نیز، تکلیف دادگاه برای استماع مدعی و ارائه فرصت‌های لازم به وی می‌باشد. (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸، ۱: ۸۰-۲)

۶. دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران

حکومت ایران، جمهوری اسلامی است که بر اساس اعتقاد دیرینه ملت ایران به حکومت حق و عدل قرآن در پی انقلاب اسلامی و با رای مردم رسمیت یافت. تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین گام برای استقرار حاکمیت قانون پس از انقلاب اسلامی بوده است. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام

زمینه‌های مادی و معنوی از جمله مهم‌ترین وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است همچنین تامین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و تضمین امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون از وظایف جمهوری اسلامی ایران است. (اصل ۳ قانون اساسی) قوانین عادی نیز بر اساس موازین اسلامی اصول دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته‌اند. هر چند در قوانین و مقررات داخلی ایران واژه دادرسی عادلانه تصریح نشده است لیکن اصول مختلف آن و تضمینات عمومی و کیفری دادرسی با نگاه اسلامی در قانون اساسی و قوانین و مقررات عادی مورد تصریح قرار گرفته است. ضمانت اجرای تضمین اصول مربوط به دادرسی عادلانه مقرر در قانون اساسی در قوانین عادی مشخص شده است.

۱.۶. دادرسی عادلانه در قانون اساسی

مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد». لذا دولت موظف است دادگاه‌های صالح که در دسترس مردم باشند، تشکیل دهد. وظیفه اجرای اعمال دادخواهی به قوه قضاییه سپرده شده است تا داد مظلوم را از ظالم بستاند. به موجب اصل ۱۵۶، قوه قضاییه به عنوان قوه‌ای مستقل، پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت معرفی شده است و عهده‌دار وظایفی نظیر رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع دانسته شده است. (اصل ۱۵۶) مرجع رسمی تظلمات و شکایت دادگستری است و تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است. (اصل ۱۵۹) همچنین قانونی بودن دادگاه‌ها (اصل ۱۵۹) و هیات منصفه (اصل ۱۶۸) به موجب قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته است و اصل ۱۶۴ قانون اساسی^۱ استقلال شغلی قضات را تعیین کرده است.

۱. اصل ۱۶۴ قانون اساسی (اصلاحی ۱۳۶۸): قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رییس قوه قضاییه پس از مشورت با رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

دیگر تضمینات دادرسی عادلانه مقرر در قانون اساسی عبارت است از علنی بودن محاکمات (اصل ۱۶۵)، قانونی بودن حکم قضات (اصول ۱۶۶ و ۱۶۷)، قانونی بودن جرم و مجازات (قبح عقاب بلا بیان) (اصل ۱۶۹)، تساوی حقوق همه مردم ایران و عدم هرگونه تبعیض ناروا (اصل ۱۹ و بند ۹ اصل ۳)، برابری همه مردم ایران در برابر قانون (اصل ۲۰)، قانونی بودن جلب و بازداشت خودسرانه و حق متهم در تفهیم اتهام و محاکمه در اسرع وقت (اصل ۳۲)، حق بر داشتن وکیل (اصل ۳۵)، اصل برائت (اصل ۳۷)، منع شکنجه برای اخذ اقرار و حمایت از حیثیت و کرامت ذاتی انسان (اصول ۳۹ و ۳۸). همچنین به موجب قانون اساسی حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد (اصل ۳۶) و احکام دادگاهها باید مستدل، مستند به قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. (اصل ۱۶۶) جبران خسارات نیز در صورت تقصیر یا اشتباه قاضی مورد تاکید قرار گرفته است. (اصل ۱۷۱)

۲.۶. دادرسی عادلانه در سایر قوانین موضوعه

در قوانین عادی شرایط و نحوه تضمین اصول دادرسی عادلانه و ضمانت اجرای کوتاهی مقامات قضایی در اجرای وظایف خود مشخص شده است. (ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری) همچنین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۳ در برانداده اصول متعدد دادرسی عادلانه است. همچنین بی طرفی و استقلال کامل مراجع قضایی (ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری) اصل برائت و رعایت حریم خصوصی (ماده ۴ قانون آ.د.ک) تفهیم اتهام و اطلاع از حق دسترسی به وکیل (ماده ۵ قانون آ. د. ک) از جمله این اصول می باشد. به منظور آگاهی مردم نسبت به دادرسی عادلانه و نظارت آن ها بر چگونگی دادرسی صحیح در نظام قضایی ایران، محاکمات علنی است. اصل علنی بودن محاکمات از طریق ورود استثنائاتی تخصیص خورده است و به تشخیص دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان در اعمال منافی عفت و جرائمی که بر خلاف اخلاق حسنه است، امور خانوادگی یا دعوای قابل گذشت به درخواست طرفین و زمانی که علنی بودن محاکمه مخل امنیت یا احساسات مذهبی باشد، محاکمه غیر علنی خواهد بود. (ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری) منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران و رسانه ها می توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی عنه باشد منتشر نمایند. (ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری)

به موجب ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری جدید «متهم می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می شود. وکیل متهم می تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بدانند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می شود». ضمانت اجرای عدم رعایت این حق بی اعتباری تحقیقات است. (تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون آ. د. ک) در کلیه امور کیفری طرفین دعوا می توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی نمایند (ماده ۳۴۶ قانون آ. د. ک)، متهم می تواند از دادگاه درخواست تعیین وکیل نماید و دادگاه در صورت تشخیص عدم توانایی متهم برای تعیین وکیل برای وی وکیل تعیین خواهد کرد (ماده ۳۴۷ قانون آ. د. ک). در جرایمی که مجازات آن ها به موجب قانون سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و جنایت عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن است و جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر چنانچه متهم شخصاً وکیل معرفی ننماید وکیل تسخیری الزاماً برای او تعیین خواهد شد. (ماده ۳۴۸ قانون آ. د. ک). قانونی بودن بازداشت و منع بازداشت خودسرانه (ماده ۲۳۹ قانون آ. د. ک) و تجدیدنظر در احکام (ماده ۴۲۷ قانون آ. د. ک) نیز موارد دیگری هستند در قانون آیین دادرسی کیفری جدید در حوزه دادرسی عادلانه پیش بینی شده است.

همچنین در قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم تعزیرات فصل دهم، ضمانت اجرای تقصیرات مقامات و مامورین دولتی، امتناع از انجام وظایف قانونی و هتک حرمت اشخاص و سلب حقوق مقرر در قانونی اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین و تصریح شده است. ممنوعیت سلب آزادی افراد ملت و سلب حقوق مقرر در قانون اساسی (ماده ۵۷۰)، استماع شکایت و تظلم خواهی نزد مراجع ذیصلاح (ماده ۵۷۲)، ممنوعیت شکنجه و اذیت و آزار بدنی متهمین (ماده ۵۷۸)، صدور حکم به موجب قانون و ضمانت اجرای امتناع قاضی از صدور حکم یا تاخیر وی از صدور حکم بر خلاف قانون (ماده ۵۹۷)، قانونی بودن جرائم، مجازات ها و دادرسی کیفری (مواد ۱۲ و ۱۳)، عطف به ما سبق نشدن قوانین (ماده ۱۰) نیز موارد دیگر قابل ذکر در قانون مجازات اسلامی در حوزه دادرسی عادلانه است. آیین نامه قانون و مقررات اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحی سال ۱۳۸۴ قوه قضاییه نیز شکنجه و رفتارهای غیر انسانی را ممنوع نموده و برای مرتکبین مجازات تعیین کرده است.

مطابق بند ۱۰ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، تحقیقات و بازجویی‌ها باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی و قانونی باشد و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته‌اند و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف قانون متوسل شده‌اند، بر اساس قانون برخورد جدی صورت می‌گیرد. همچنین منع اتهام سازی واهی، دستگیری‌ها و بازداشت‌های فراقانونی و خودسرانه (بند ۱)، منع خشونت، اذیت و آزار و شکنجه (بندهای ۶ و ۱۰) در این قانون مورد تاکید قرار گرفته است. در بند ۳ قانون مذکور نیز بر ضرورت حضور وکیل در کلیه مراحل رسیدگی و رعایت حق بهره‌مندی از وکیل توسط محاکم و دادسراها تاکید شده است. محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

جمع‌بندی و تحلیل

حق دادرسی عادلانه مشتمل بر مجموعه اصول و قواعدی است که در انواع دعاوی، نحوه رفتار با یک فرد را در برابر دادگاه در مراحل مختلف آن مشخص می‌کند. شناسایی این اصول لازمه اجرای عدالت و اصل برابری انسان‌ها در برابر قانون است و همچنین با اصل تفکیک قوا، استقلال قوه قضاییه و حاکمیت قانون ارتباط دارد. اهمیت امر دادرسی و قضاوت در اسلام آنجا مشخص می‌گردد که پرودگار متعال داوری و قضاوت واقعی را از آن خود دانسته است و این امر خطیر را در روی زمین به پیامبران و جانشینان آنها واگذارده است. در اسلام نفوذ حکم و حکومت از آن خدا است چرا که هیچ کس بر کسی تسلط و حق حکومت ندارد مگر با اذن خداوند متعال، نفوذ حکم و حکومت انبیاء و اوصیاء با اذن حق تعالی است و نفوذ حکم قضات جامع شرایط نیز با فرمان انبیاء و اوصیاء است. (محمدمدنی گیلانی، ۱۳۷۸: ۴۱) این درحالی است که به رغم تاکید اسلام بر اهمیت دادرسی، در طول تاریخ با محاکمات و داوری‌هایی مواجه می‌شویم که یا از قوانین و مقررات ظالمانه و ضد انسانی الهام گرفته یا خواست و اراده حاکم با عبارت «اراده ما بر این است...» معیار قضاوت‌ها قرار می‌گرفت. به عنوان نمونه در تواریخ قرون وسطی، عادات و رسوم متداول، مبتنی بر قوانین مشخص نبود و با اصول اخلاقی و انسانی سازگاری نداشت و به دلیل فقدان قانونی واحد، محاکمات با نظر قاضی انجام می‌شد. (حجتی کرمانی، ۱۳۷۷: ۲۰-۱۹) تاریخ ایران حاکی از اهمیت قانون در این سرزمین بوده است و دین در نهادهای حقوقی موجود تاثیر فوق‌العاده داشته است تا جایی که منشا و مآخذ حقوق ایران، اسلام گردیده

است. دین اسلام از آغاز ظهور بیش از هر دین دیگر و بیش از هر مکتب دیگر رعایت اصول دادرسی عادلانه را لازم دانسته است. نظام حقوقی ایران نیز به تاسی از دین مبین اسلام دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته و اصول آن را برشمرده است.

اگرچه دادرسی عادلانه و تضمینات قضایی کم و بیش از دیرباز در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف پیش‌بینی شده است اما در پی گسترش حقوق بشر و تاکید بر ارتقاء و تضمین انواع حقوق بشر، پیش‌بینی و رعایت دادرسی عادلانه به عنوان حق بشری مورد تاکید مجدد قرار گرفت و بعد از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ در اسناد مختلف جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به رسمیت شناخته شد و دولت‌ها متعهد گردیدند اجرای آن را تضمین نمایند. به این ترتیب تضمین حق بر دادرسی عادلانه در نظام‌های حقوقی داخلی و همچنین از طریق مکانیزیم‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. زمانی می‌توان ادعا نمود حق دادرسی عادلانه تضمین شده است که قوانین مختلف داخلی اصول مختلف دادرسی عادلانه از جمله استقلال دادگاه‌ها و قضات و بی‌طرفی آن‌ها، علنی بودن جلسات رسیدگی، دسترسی برابر همگان به مراجع قضایی ذی‌صلاح، اصل برائت، حق دفاع، تفهیم اتهام، حق اخذ وکیل و حق بر خدمات حقوقی و مترجم رایگان و... را مورد شناسایی قرار داده و اجرای آن‌ها را تضمین کنند. رعایت اصول دادرسی عادلانه همچنین مستلزم این است که بازجویی و فرآیند دادرسی پرونده‌های موجود با رعایت حقوق مظنون و قربانی صورت گیرد. کنترل و نظارت بر اقدامات دادرسیا زمینه را برای اجرای واقعی و موثر اصول دادرسی عادلانه فراهم خواهد کرد و سبب تقویت باور برابری همگان در مقابل قانون خواهد شد، زیرا در نتیجه چنین نظارتی است که می‌توان انتظار داشت تخلفات انضباطی دادستان‌ها یا قضات و دیگر اشخاص ذی‌ربط بر اساس مقررات قانونی مورد رسیدگی قرار گیرد.

در وضعیت کنونی نظام حقوقی ایران به رغم پذیرش اصول دادرسی عادلانه در قانون اساسی و قوانین عادی، تعریف صریحی از این مفهوم ارائه نشده است و تعریف آن با شناسایی اصول دادرسی عادلانه روشن گردیده است. البته عدم ارائه تعریف برای حق بر دادرسی عادلانه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز به چشم می‌خورد و ذکر مصادیق و اصول دادرسی عادلانه است که به این مفهوم عنایت بخشیده است. پذیرش و تاکید بر اجرای دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران حکایت از حاکمیت قانون و استقلال قضات و تفکیک قوا دارد. تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید نیز از تحولات مثبت در خصوص پیش‌بینی و تاکید بر اصول دادرسی عادلانه محسوب می‌گردد. از ماده ۱۲۸ قانون

آیین دادرسی کیفری قدیم و بند «۷» جزء «ز» ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر می‌آمد که وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی حق دخالت در امر تحقیق را ندارد و پس از خاتمه تحقیقات می‌تواند مطالبی را که برای کشف حقیقت و یا دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند به قاضی یا بازپرس اعلام نماید. همچنین حضور وکیل در دادسرا و دادگاه منوط به اجازه دادگاه شده بود. البته قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ سعی در قبول حضور غیرمشروط وکیل در مرحله تحقیقات داشته است، که متعاقباً با تصویب بند «۷» جزء «ز» ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه و افزودن قیودی چون محرمانه بودن و فسادانگیز بودن حضور غیر متهم حتی وکیل، در برخی موارد راه را برای حضور وکیل مسدود نموده بود.

لیکن به موجب قانون آیین دادرسی کیفری جدید متهم باید در اسرع وقت به تفصیل از موضوع و ادله انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل بهره‌مند شود. همچنین متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شده باشد این حق در برگ احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند پرونده را مطالعه و مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه درج می‌شود. (ماده ۱۹۰) همچنین در تبصره ماده مذکور قید شده است که سلب حق تعیین وکیل و یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بطلان تحقیقات می‌شود. تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید توانسته گامی بلند در پیشبرد و ارتقای دادرسی عادلانه در نظام داخلی ایران محسوب گردد و خلاها و نواقص قبلی قوانین در این خصوص را مرتفع کند.

منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

کتاب

۱. آخوندی، محمود، حق بهره‌مندی از محاکمه عادلانه، نشریه حقوق دادگستری، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۷۸.
۲. آشوری، محمد، عدالت کیفری، مجموعه مقالات، اصل برائت و آثار آن در امور کیفری (مطالعه تطبیقی)، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۳. جواد آملی، عبدالله، ادب قضا در اسلام، قم: اسراء، ۱۳۹۰.

۴. حجتی کرمانی، علی، سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ، تهران: موسسه انتشارات مشعل دانشجو، ۱۳۷۷.
۵. ساکت محمد حسین، دادرسی در حقوق اسلامی، تهران: میزان، ۱۳۸۲.
۶. سنگلجی، محمد، آیین دادرسی در اسلام، قزوین: انتشارات طه، ۱۳۶۹.
۷. عفو بین المللی، دادرسی عادلانه، ترجمه: فریده طی و لیلا اشرفی، تهران: میزان، ۱۳۸۶.
۸. محمدی گیلانی، محمد، قضا و قضاوت در اسلام، تهران: انتشارات المهدی، ۱۳۷۸.
۹. منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، تهران: سرایی، جلد سوم، ۱۳۷۹.

مقاله

۱۰. آشوری، محمد، اصل برائت و آثار آن در امور کیفری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۲۹، سال ۱۳۷۲.
۱۱. ابن علی، داوود و کریم صالحی، حق بهره‌مندی از مساعدت وکیل به عنوان یکی از معیارهای دادرسی عادلانه، خبرنامه کانون وکلای دادگستری استان اصفهان، شماره ۲۰، ۱۳۸۶.
۱۲. امیدی، جلیل، دادرسی کیفری و حقوق بشر، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۳۸، سال دهم، ۱۳۷۸.
۱۳. باهری، محمد، حق دفاع متهم یا حق لایتناهی، مجله اندیشه و هنر، سال ۱۳۳۱.
۱۴. خزائی، منوچهر، اصل برائت و اقامه دلیل در دعاوی کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۴-۱۳.
۱۵. صباح مشهدی، حمید، حقوق متهم در مرحله بازجویی توسط ضابطان، ماهنامه دادرسی، شماره ۶۳، مرداد و شهریور ۱۳۸۶.
۱۶. طهماسبی، جواد، تحولات دادرسی اطفال در حقوق ایران، تعالی حقوق (ماهنامه آموزشی- خبری استان خوزستان، شماره‌های ۷ و ۸، فرودین و اردیبهشت ۱۳۸۶).
۱۷. فرح زادی، علی اکبر، معرفی اجمالی اصول بنیادین دادرسی در اسلام، مجله دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۲۰، ۱۳۷۹.
۱۸. کاتبی، حسینقلی، حق دفاع، نشریه حقوق مردم، شماره ۲، سال ۱۳۴۵.
۱۹. گلدوزیان، ایرج، حق دفاع در مراجع قضایی، نشریه دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، فصل اول شماره ۳، سال ۱۳۷۱.
۲۰. مومن زادگان، حسینقلی، حقوق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی شماره ۹، بهار ۱۳۷۷.

۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درسی دادرسی عادلانه و عدالت قضایی، دوره کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶.

پایان نامه

۲۲. ابراهیمی، قدرت الله، دادرسی منصفانه از نظر نظام‌های دادرسی کیفری و حقوق موضوعه ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید، ۱۳۸۲.
۲۳. پارسا، محسن، بی‌طرفی قاضی در دادرسی کیفری، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸.
۲۴. عالمی، کلام‌اله، دادرسی عادلانه در کنوانسیون مبارزه با فساد مالی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.
۲۵. عباسی، مصطفی، اسلام و حقوق متهم در مراحل دادرسی، کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۱.
۲۶. فخاری، عطیه، دادرسی عادلانه اطفال در حقوق بشر بین‌المللی و حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
۲۷. قربان زاده، حسین، حفظ حقوق شهروندی در پرتو اصول حاکم بر دادرسی منصفانه (در فقه امامیه، اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵.
۲۸. قربانی، علی، بررسی رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حق آزادی و امنیت و حق بر دادرسی منصفانه، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۲۹. محسنی، حسن، اصول حاکم بر دادرسی عادلانه در دعاوی مدنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۳۰. مصباحی، کمال‌الدین، حق بهره‌مندی از وکیل با تاکید بر مرحله تحقیقات مقدماتی در پرتو اسناد حقوق بشری و مقایسه با حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
۳۱. ملکی، رضا، اصل برائت و مبانی فقهی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.
۳۲. هاشمی، سید احمد علی، نظام دادرسی از دیدگاه امام علی (ع)، کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه تهران،

منابع و مأخذ

منابع فارسی

کتاب:

۱. قرآن مجید
۲. آشوری، محمد، عدالت کیفری، مجموعه مقالات، اصل براءت و آثار آن در امور کیفری (مطالعه تطبیقی)، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۳. بسته‌نگار، محمد، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران: انتشار، ۱۳۸۰.
۴. بهرامی احمدی، حمید، قواعد فقه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸.
۵. پاتریک، هیدن، فلسفه حقوق بشر، ترجمه و تحقیق: مهدی یوسفی، و رضا علیمردانی زیر نظر محمد جواد جاوید، تهران: مخاطب، جلد ۱، ۱۳۹۲.
۶. جاوید، محمد جواد، نظریه نسبیت در حقوق شهروندی تحلیلی مبتنی بر اطلاق در حقوق طبیعی، تهران: گرایش، ۱۳۸۷.
۷. جاوید، محمد جواد، نقد مبانی فلسفی حقوق بشر، تهران: مخاطب، جلد اول، ۱۳۹۲.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ادب قضا در اسلام، قم: اسراء، ۱۳۹۰.
۹. جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۵.
۱۰. حائری شیرازی، محی الدین و دیگران، رویکرد متعالی فقه اسلامی به حقوق بشر، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰.
۱۱. حجتی کرمانی، علی، سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ، تهران: موسسه انتشارات مشعل دانشجو، ۱۳۷۷.
۱۲. دانش یزدی، مهدی و سایرین، حاکمیت قانون و محاکمه عادلانه، سخنرانی‌های جمع‌آوری شده از دومین جلسه مذاکره دو جانبه در مورد حقوق بشر بین اتحادیه اروپا و ایران، بروکسل، ۲۰۰۳.
۱۳. رستمی، ولی و مسلم آقایی طوق، حسن لطفی، دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران، تهران: گرایش، ۱۳۸۸.
۱۴. ساکت محمد حسین، دادرسی در حقوق اسلامی، تهران: میزان، ۱۳۸۲.
۱۵. سنگلجی، محمد، آیین دادرسی در اسلام، قزوین: انتشارات طه، ۱۳۶۹.
۱۶. عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۰.
۱۷. عفو بین‌المللی، دادرسی عادلانه، ترجمه: فریده طی و لیلا اشرافی، تهران: میزان، ۱۳۸۶.

۱۸. فضائلی، مصطفی، دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
 ۱۹. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، جلد ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸.
 ۲۰. مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، زیر نظر اردشیر امیر ارجمند، جلد اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
 ۲۱. مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، تهران: گرایش، ۱۳۸۸.
 ۲۲. محمدی گیلانی، محمد، قضا و قضاوت در اسلام، تهران: انتشارات المهدی، ۱۳۶۲.
 ۲۳. محمدی گیلانی، محمد، قضا و قضاوت در اسلام، تهران: انتشارات المهدی، ۱۳۷۸.
 ۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸.
 ۲۵. منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، تهران: سرایی، جلد سوم، ۱۳۷۹.
 ۲۶. میرموسوی، سید علی، حقیقت، سید صادق، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۹۱.
 ۲۷. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- مقالات:**
۲۸. تابنده، سلطانحسین، اسلام و مواردی از اعلامیه حقوق بشر در بسته‌نگار، محمد، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران: انتشار، ۱۳۸۰.
 ۲۹. ساکوچی، آندرا، استقلال و بی‌طرفی قضات در دانش یزدی، مهدی و سایرین، حاکمیت قانون و محاکمه عادلانه، سخنرانی‌های جمع‌آوری شده از دومین جلسه مذاکره دو جانبه در مورد حقوق بشر بین اتحادیه اروپا و ایران، بروکسل، ۲۰۰۳ (۱۳۸۱).
 ۳۰. سوادکوهی‌فر، سام، رابطه نظام دادرسی با حقوق شهروند، در مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، تهران: گرایش، ۱۳۸۸.
 ۳۱. صابر، محمود، معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۸.

۳۲. قوامی، سید صمصام الدین، نظام قضایی امیر المومنان (ع)، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۸، ۱۳۸۶.

۳۳. مصفا، نسرین، تحول تاریخی و فرهنگی حکومت قانون در ایران، در دانش یزدی، مهدی و سایرین، حاکمیت قانون و محاکمه عادلانه، سخنرانی‌های جمع‌آوری شده از دومین جلسه مذاکره دو جانبه در مورد حقوق بشر بین اتحادیه اروپا و ایران، بروکسل، ۲۰۰۳ (۱۳۸۱).

۳۴. مطهری، مرتضی، حقوق مردم در نهج‌البلاغه، در بسته‌نگار، محمد، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران: انتشار، ۱۳۸۰.

۳۵. موسوی بجنوردی، محمد و روحانی، سمیه، شاخصه‌های عدالت قضایی از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) با رویکردی بر آرای فقهی امام خمینی (ره)، پژوهشنامه متین، بهار ۱۳۹۱، شماره ۵۴.

قوانین:

۳۶. آیین‌نامه قانون و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحی سال ۱۳۸۴ قوه قضاییه

۳۷. قانون آیین دادرسی کیفری

۳۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۳۹. قانون حفظ حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان مصوب سال ۱۳۸۳

۴۰. قانون مجازات اسلامی

منابع انگلیسی

کتاب:

41. Synmonides, Janusz, Human Rights: Concept and Standards, UNESCO, 2000.
42. Leach, Philip, Taking case to the European Court of Human convention on Human Rights, Second Edition, Oxford University Press, 2005.
43. Reid Karen, A Practitioners, Guide to The European Convention on Human Rights, 2nd Edition, Sweet and Maxwell, 2004.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir